



DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.2.4.4

Examining the Role of the Qur'an in Confrontation of Individual Violence

(Received: 2021-11-29 / Accepted: 2022-03-08)

Majid Salehian¹

ABSTRACT

Violence is on the increase in the world today, depriving people of security and peace, and leading societies to endless corruption and crisis. This study aims to investigate the role of the Qur'an in combating individual violence. Based on a descriptive-analytical method, this research seeks to answer the question of whether the Qur'an has a role in combating individual violence. For this purpose, verses related to wrath and violence were collected from Islamic sources in the form of libraries and then examined and explained. The solutions presented in the research findings showed that in order to deal with individual violence from the Qur'anic point of view, it is necessary to raise the level of awareness and knowledge, culturalization of the people, humility towards each other, tolerance with ignorant people, kindness and gentleness in behavior and speech toward others, as well as assistance and cooperation with each other, which paved the way for the spread of more love, and avoidance of violence, hatred and bloodshed by institutionalizing the principles of brotherhood, solidarity and unity. The results showed that to deal with individual violence, using kindness, compassion and forgiveness in behavior and putting patience and sacrifice at the forefront and talking with kindness, gentleness and love, softening relationships and preventing ignorance and prejudice, will help people to find the path of greater peace and harmony. On the other hand, relying on heavenly conventions can help the creation of a world free of violence. Therefore, the only way to human happiness is creating a life free from individual violence through faith in God, faith in the resurrection, having insight, reason, piety and the use of tolerance and love for people, which the Qur'an emphasizes.

KEYWORDS: Quran, Confrontation, Wrath, Individual Violence, Compassion.

1- PhD. student in Public Administration, Majoring in Behavior, Seminary and University Research Institute. majid.salehian64@yahoo.com

بررسی نقش قرآن در مقابله با خشونت فردی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷)

مجید صالحیان^۱

چکیده

خشونت رو به گسترش در جهان امروز، جوامع را به سمت فساد و بحران‌های پایان ناپذیر سوق داده که موجب سلب امنیت و آرامش از آدمی شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش قرآن در مقابله با خشونت فردی است. این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا قرآن در مقابله با خشونت فردی نقشی دارد؟ بدین منظور، آیاتی در زمینه خشونت از منابع اسلامی به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و سپس بررسی و تبیین شده‌اند. راهکارهای ارائه‌شده در یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از دیدگاه قرآن، برای مقابله با خشونت فردی، باید با بالابردن سطح آگاهی و معلومات و فرهنگ‌سازی در میان مردم و نهادینه شدن خصلت‌هایی چون تواضع افراد در برابر هم، مدارا با افراد جاهل، ملایمت و نرمی در رفتار و گفتار با دیگران، همیاری و تعاون درقبال یکدیگر، و نیز نهادینه شدن اصل برادری و همبستگی و اتحاد، راه برای گسترش مهر و محبت بیشتر و اجتناب از خشونت و کینه و خونریزی، هموار می‌شود. همچنین، به کارگیری مهربانی و گذشت در رفتار و سرلوحه قرار دادن صبر و فداکاری و صحبت با نرمی، ملایمت، تلطیف روابط و جلوگیری از جهل و تعصب، به انسان‌ها کمک خواهد کرد تا در مسیر صلح و سازگاری بیشتر قرار گیرند. از سوی دیگر نیز تکیه بر میثاق‌های آسمانی می‌تواند به جهان‌عاری از خشونت کمک نماید. لذا تنها راه سعادت بشر در ایجاد زندگی به دور از خشونت فردی، ایمان به خداوند و معاد، بصیرت، تعقل، رعایت تقوا و مدارا و محبت با مردم است که قرآن آنها را مورد تأکید قرار داده است.

کلید واژگان: قرآن، مقابله، خشم، خشونت فردی، مهرورزی.

مقدمه

خشونت از جمله معضلات عصر حاضر است که تا حدود بسیاری، امنیت و آرامش را از انسان سلب نموده و روزه‌روز در جهان در حال گسترش است. مطابق آمارها در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در ایران تعداد جرایم حدود پنج برابر افزایش یافت (شجاعی و اخوان طبسی، ۱۳۹۸: ۸). افزایش خشونت در دوره معاصر سبب شده که این مسئله یکی از جدی‌ترین بحران‌های جهانی شناخته شود. سوء مدیریت‌ها در جهان و نبود حاکمانی شایسته، جوامع را به سمت فساد و بحران‌هایی پایان‌ناپذیر سوق داده و این امر سبب به ستوه آمدن انسان‌ها و در نتیجه موجب عصبانیت آنها شده که طبیعی است با انباشت خشم و در نهایت، غلیان جامعه به سوی خشونت، جوامع به سوی انحطاط و نابودی پیش بروند (همان: ۹). احتمال آن می‌رود که استفاده از آموزه‌ها و رهنمودهای قرآن در حل و فصل مشکلات جوامع انسانی به خصوص در خشونت فردی نقش مثبت داشته باشد.

با توجه به اینکه انسان خلیفه الله در زمین است و باید تبلور صفات الهی در زمین باشد، بهره‌گیری از این صفات امری ضروری به شمار می‌رود. صفات به دو صورت مذموم و ممدوح در زندگی آدمی تاثیر گذارند. صفات خشم و خشونت نیز در صورت کنترل آگاهانه و به کارگیری درست آن سبب کمال انسان، و در غیر این صورت، باعث زوال و نابودی افراد می‌شود (منیر، ۱۳۹۸: ۱۶). خداوند متعال آدمی را موجودی مختار و جمال‌جو خلق کرده که قدرت تشخیص خیر از شر و سره از ناسره را دارد و فرمود: ﴿فَالهَمها فجورها وتقواها﴾ (شمس: ۸): پس خیر و شر آن را به او الهام کرد.

بنابراین انسان می‌تواند با ابزاری چون گوش، چشم، و عقل، از خویش شخصیتی بی‌نظیر بسازد تا جایی که در درجات کمال از فرشتگان درگاه الهی هم بالاتر رود. این امر مهیا نمی‌شود مگر آن‌که انسان به معرفتی استوار دست پیدا کند و عوامل ایجاد زشتی را که از جمله آنها خشونت‌طلبی است از سر راهش بردارد؛ و این پژوهش به شناخت علل خشونت فردی و بیان راهکارهای کاهش اثر آن و نیز شیوه‌های مقابله با خشونت فردی می‌پردازد که می‌تواند در کنترل و کاهش خشونت موثر باشد.

در زمینه خشونت، در قرآن و اندیشه اسلامی مطالعاتی انجام شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

شجاعی و اخوان طبسی (۱۳۹۸)، در مقاله راهبرد قرآن کریم در جلوگیری از تبدیل

خشم اجتماعی به خشونت، بیان کرده‌اند که قرآن به دو راهکار نرم و سخت اشاره نموده که راهکار نرم در مواجهه با این مسئله شامل اجازه بروز خشم و انتقاد، تحلیل دقیق انتقادات، گفتگو و پذیرش متواضعانه خطاها، و اصلاح کردن کارهای اشتباه است.

قاسم‌زاده و پاشا و محسن‌پور (۱۳۹۷)، در پژوهش «عوامل بروز خشونت از منظر قرآن کریم» بیان نموده‌اند که عوامل درونی چون هواپرستی، جهل، غفلت، کبر و غرور، پندار‌گویی، نفاق، دنیاطلبی، گناه و سرکشی و عوامل بیرونی چون شیطان، بزرگان و رهبران فاسد، دوستان گمراه و نادان و نیز فقر اقتصادی؛ با انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی باعث ایجاد خشونت در انسان می‌شوند که با شناسایی به‌موقع و برنامه‌ریزی برای غلبه بر آن عوامل می‌توان از آن جلوگیری کرد یا آن را کنترل نمود.

تهامی و بلوری (۱۳۹۵)، در مقاله «خشونت و راه‌های مقابله با آن در اندیشه اسلامی» بیان کرده‌اند که زندگی به دور از خشونت در سایه ایمان به خدا، بصیرت، محبت و رعایت تقوا امکان‌پذیر است.

در این تحقیق، ابتدا به تعریف مفهوم خشونت، سپس به راهکارهای کنترل آن و کاهش خشونت فردی از منظر قرآن می‌پردازیم.

۱. معناشناسی خشونت

خشونت از ماده‌ی خشن به معنی تندی در مقابل نرمی و نیز به معنی زبری در مقابل همواری و صافی آمده است (شاکرین، ۱۳۹۳: ۱۱). در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز خشونت، به معنای زبری و درشتی، ضد نرمی و لینت، تندی و تیزی و سختی، خشم، سخت‌رویی، خشکی، غضب؛ و خشونت کردن نیز به معنای درشتی کردن و تندی کردن آمده است.

در یک تعریف کلی، می‌توان گفت «خشونت، عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، مال، شرف و حقوق افراد به نحوی که ایجاد ترس کند» و شامل اقدام فیزیکی همانند جرح و ضرب و قتل یا اقدام غیرفیزیکی مثل توهین و تهدید است (میر خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

۲. انواع خشونت

خشونت، به صورت کلی، به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. خشونت مستقیم مثل زدو خورد، جنگ، شکنجه، تهدید، و قتل؛ ۲. خشونت غیرمستقیم مثل کینه‌توزی، غیبت، حسادت،

تهمت، بی‌اعتمادی و... . خشونت را می‌توان به این صورت نیز تقسیم‌بندی نمود: ۱. خشونت فردی که شامل خشونت گفتاری، پنداری، کرداری و ... می‌شود؛ ۲. خشونت سیاسی که خشونت مدنی، دولتی و ساختاری است.

خشونت مراتبی نیز دارد که امکان دارد به صورت فردی، گروهی، اجتماعی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باشد. از جمله ریشه‌های خشونت در مراتب بیان شده، می‌توان به عوامل روحی، ژنتیکی و روانی و فقر اشاره کرد که خود عامل فاصله طبقاتی می‌شود. از دیگر ریشه‌های خشونت می‌توان به خشک‌مقدسی، تحجر، نداشتن ایمان، حفظ موقعیت، حفظ قدرت و ثروت به هر قیمت، ظلم، توهین به مقدسات و بی‌عدالتی اشاره کرد (تهامی و بلوری، ۱۳۹۵: ۴ و ۵).

۳. راهکارهای مقابله با خشونت فردی از دیدگاه قرآن

خروج از افکار و اعمال خشونت‌آمیز نیازمند به‌کارگیری برخی روش‌هاست که در قرآن کریم می‌توان آن‌ها را استخراج کرد؛ از جمله:

۳-۱. فرهنگ‌سازی

ارتقای سطح آگاهی افراد و فرهنگ‌سازی در میان مردم برای اجتناب از خشونت فردی، مهم‌ترین وسیله تحقق آرمان‌های جامعه اسلامی و مقدم بر هر نوع اعمال زور و خشونت است. گواه آن، اشاره خداوند متعال است که بعد از بیان آفرینش انسان، بلافاصله، مقوله آموزش و شناخت را ذکر فرموده است؛ اعم از شناخت اکتسابی ﴿عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (علق: ۴): با قلم تعلیم داد» و غیراکتسابی ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق: ۵): آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت.»

برخلاف اتهامات دشمنان مغرض و کم‌اطلاع به دین اسلام، قرآن کریم هرگز بر حاکمیت زور تأکید نکرده، بلکه آمده تا عقل و اندیشه و تمام نیروهای سازنده و خلاق آدمی را از قید خرافه و جهل و موهوم‌پرستی و سایر زنجیرها رها سازد و راه سعادت و تکامل را بر ایشان هموار کند. این کار که بر سیاست آموزش نظام اسلامی مبتنی است، نمی‌تواند از قید زمان آزاد شود و به دیگر عبارت، امری جهشی و دفعی نیست، بلکه از اصل تدرج و تدریج، که سنتی الهی است، پیروی می‌کند (عباس نژاد، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

لذا جامعه همانند هر ساختار و بنایی، نیازمند نگهداری و توجه است و نهاد خانواده و یکایک اشخاص و تعاملات حاکم بر ایشان، عناصر تشکیل دهنده جامعه هستند؛ بنابراین پیش از هر چیز، بر هر یک از افراد جامعه لازم است که با کسب آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم و غنا بخشیدن به شخصیتشان، عضوی مفید برای خود و جامعه باشند تا از ابتلا به خطرات خشونت فردی مصون بمانند (تهامی و بلوری، ۱۳۹۵: ۱۹).

۳-۲. تشریح احکام بازدارنده

قرآن کریم با تشریح احکامی مانند قصاص و دیه نقش مؤثری در پیشگیری و مقابله با خونت فردی دارد: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۷۶): «ای صاحبان خرد، برای شما در قصاص، حیات، (نهفته) است؛ باشد که تقوا پیشه کنید.» طبق آیه قرآن، حکم قصاص برای جامعه انسانی، تأمین کننده زندگی است. باید توجه داشت که قصاص، برخورد و انتقام شخصی نیست، بلکه تأمین کننده امنیت اجتماعی است. در جامعه‌ای که متجاوز قصاص نشود، عدالت و امنیت از بین می‌رود و آن جامعه گویا مرده است. از آنجا که قانون قصاص، ضامن عدالت و امنیت و رمز حیات جامعه است، در پایان این آیه می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» یعنی اجرای این قانون، موجب جلوگیری از بروز قتل‌های دیگر است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۸۵). امام سجاد (ع) می‌فرماید: «و برای شما ای امت محمد (ص)، در قصاص حیات است، زیرا کسی که قصد کشتن کسی را می‌کند وقتی بداند که قصاص می‌شود از کشتن صرف نظر می‌کند، و این موجب حیات است، هم برای کسی که قصد قتل او شده است و هم برای کسی که قصد ارتکاب قتل داشته است، و هم موجب حیات است برای سایر انسان‌ها، زیرا هنگامی که بدانند قصاص واجب است جرئت بر قتل پیدا نمی‌کنند.» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۷۸)

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا﴾ (نساء/۹۲): هیچ مؤمنی نباید که مؤمنی را جز به اشتباه بکشد، و هر کس مؤمنی را به اشتباه بکشد، باید برده باایمانی را آزاد کند و خون‌بهایی نیز به کسان مقتول بپردازد، مگر این که آنان خون‌بها را ببخشند. دیه سبب می‌شود تا افراد جرأت بر خشونت نداشته باشند، زیرا طبق این آیه، مجازات و جبران خسارت بر عهده آنان خواهد بود.

۳-۳. مدارا و تواضع در برابر مردم جاهل

تمام شریعت‌های آسمانی بر رحمت و دوستی و مدارا استوار شده‌اند و پیغمبران آسمانی، همه تلاش می‌کردند که مهرورزی را بین مردم بگسترانند و صفا و صلح و آرامش و صمیمیت را در جوامع انسانی پایدار سازند. در آموزه‌های اسلام، مسلمانان از خشونت به‌طور عمده و به‌خصوص در روابط اجتماعی به هر صورت منع شده‌اند و به رحمت، گذشت، عفو و مدارا دعوت شده‌اند. حضرت باری تعالی دربارهٔ مدارا نمودن با اشخاص نادان می‌فرماید: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (فرقان: ۶۳): «بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).»

رفتار با مردم جاهل به چند صورت امکان‌پذیر است که هر کدام نتیجهٔ مخصوص خود را دارد:

الف: اگر با ایشان با خشونت رفتار گردد، لجاجت آنها تحریک می‌شود و سرانجام از این خشونت نتیجه‌ای گرفته نمی‌شود.

ب: اگر شخصی با ایشان درافتد و همانند آنها شود، از قدر و منزلت خود می‌کاهد و شخصیتش شکسته می‌شود و نیرو و وقتش هدر می‌رود.

ج: اگر با آنان مدارا شود و سخن تند و مسخره‌آمیزشان به نرمی پاسخ داده شود، در موارد زیادی تربیت و شرمندگی می‌شوند.

بندگان ممتاز خدا راه سوم را انتخاب می‌کنند و به همین سبب، هنگام مواجهه با جاهلان «سلام» می‌گویند، سلامی که نه ناشی از ضعف بلکه نشانهٔ بزرگواری ایشان است. مقصود از سلام در این آیه، سخن خالی از لغو و گناه و سخن سالم است (پژوهشکدهٔ تحقیقات سپاه پاسداران، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

۳-۴. ملایمت و نرمی در رفتار با دیگران

در اسلام، اصل بر محبت و مودت، رحمت و رأفت، کظم غیظ و رفتار مسالمت‌آمیز، و عفو و کرامت است. برای هر یک از این مفاهیم، آیاتی در قرآن آمده است؛ مثلاً در نمازهای پنجگانه، چندین بار در مورد رحمت، «الرحمن الرحیم» آمده که به‌نوعی ترویج مهر و رفتار

دوستانه است. نیرویی که همانند نیروی جاذبه، جنبه عمومی دارد و دل‌ها را به هم پیوند می‌دهد همین صفت رحمت است که برای پیوند خلق با خالق نیز باید از آن استفاده نمود. مؤمنان راستین با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای کارها دل از همه جا بر کنده و تنها به خدا دل می‌بندند، و از وی یاری و استمداد می‌طلبند، خداوندی که رحمتش فراگیر بوده، و هیچ موجودی از آن، بی نصیب نمی‌ماند. از «بسم الله الرحمن الرحیم» به خوبی می‌توان آموخت که اساس کار خدا بر رحمت واقع شده و مجازات جنبه استثنایی دارد که تا عامل قطعی برای آن پیدا نشود تحقق نمی‌یابد، چنان که در دعا آمده: «یا من سبقت رحمته غضبه» (جوشن کبیر، بند ۲۰): «ای خدایی که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است.» بنابراین انسان‌ها نیز باید در برنامه زندگی چنین باشند و اساس کارشان را بر محبت و رحمت قرار بدهند و توسل به خشونت را برای مواقع ضروری بگذارند. قرآن ۱۱۴ سوره دارد که ۱۱۳ سوره از آن با رحمت شروع می‌شود. فقط سوره توبه که با اعلان جنگ و خشونت است بدون بسم الله است! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۳۶).

«رئوف» نیز از جمله صفات باری تعالی و پیغمبر است، و از ضد آن که سنگدلی و قساوت است انتقاد شده است: ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ (بقره: ۷۴). محبت، هدیه الهی است که خدا آن را در دل زن و مرد قرار می‌دهد: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). فرو بردن خشم و کظم غیظ و عفو کردن ستایش شده است.

برای نفوذ در قلب انسان‌ها، هر چند آنها بسیار آلوده و گمراه باشند، اولین دستور قرآن، برخورد ملایم و همراه با مهر و عواطف انسانی است، و توسل به خشونت در مراحل بعدی است که برخوردهای دوستانه تأثیری ندارد. هدف آن است که مردم جذب شوند، متذکر شوند و راه صحیح را پیدا کنند یا از عواقب شوم کار بد خود بترسند: ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَيَخْشَوْنَ﴾ (طه: ۴۴): «به نرمی سخن بگویند تا شاید متذکر شود (و پند گیرد) یا بترسد.»

هر مکتبی باید جاذبه داشته باشد و بی‌دلیل، اشخاص را از خود دفع نکند. سرگذشت پیامبران و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به خوبی نشان می‌دهد که ایشان هرگز از این برنامه، در تمامی مسیر عمرشان، انحراف پیدا نکردند؛ البته امکان دارد، هیچ برنامه محبت آمیزی در دل سیاه برخی افراد اثر نگذارد، و راه منحصرأ توسل به خشونت باشد که آن نیز در جای خود صحیح است، ولی نه به عنوان یک اصل کلی و برای شروع کار، زیرا برنامه اول محبت و ملایمت است، و این همان درسی بوده که آیات فوق به روشنی بیان می‌دارد (مکارم شیرازی،

۱۳۷۱: ۲۶). در جای جای قرآن، تأکید شده که پیامبر اسلام (ص) در هر شرایطی، اولویت را به ملایمت در رفتار با مخالفان خود و مهرورزی قرار می‌دادند: ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ (کهف: ۲۸): و هرگز از کسی که ما دل او را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شده و به تبه‌کاری پرداخته اطاعت مکن.»

ابوبکر حارثی با اسناد از ابن عباس روایت کرده که این قسمت از آیه درباره امیه بن خلف جمعی نازل شده که پیغمبر را به خشونت با بیچارگان و راندن ایشان، و نزدیک داشتن سران مکه فرا می‌خواند، و خداوند به پیامبر (ص) امر نمود سخن آن کس را که دلش به روی توحید مهر و قفل زده شده، و پیرو شرک است، قبول نکند (واحدی، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

۳-۵. ملاحظت و نرمی در گفتار با دیگران

از دیگر شیوه‌های مقابله با خشونت فردی، نرمی و ملایمت در کلام و سخن است که می‌توان با این شیوه از بروز خشونت فردی جلوگیری نمود. بسیاری از خشونت‌هایی که امروزه در اجتماع ظهور پیدا می‌کند، گفتاری است که در بعضی موارد از پرخاشگری آغاز می‌شود و به درگیری‌های فیزیکی و خشونت‌های خونین همانند ضرب و شتم و ... منتهی می‌شود. قرآن کریم برای مقابله با چنین آسیب‌هایی راهکارهای قابل توجهی ارائه کرده است: ﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ (اسراء: ۵۴): و (ای محمد) به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند؛ چرا که شیطان میانشان را به هم می‌زند (و القای دشمنی و عداوت می‌نماید و آنها را بر ضد یکدیگر بر می‌انگیزد)؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است» (خسروانی، ۱۳۹۰ ق، ۲۷۵). همچنین قرآن تأکید دارد که با نابخردان به نیکي و ملاحظت سخن گفته شود؛ زیرا آنها نیازمندی‌های اولیه‌ای دارند که باید تأمین شود و اگر افراد جامعه و به‌خصوص مسئولان به رفع این نیازها توجه نکنند، امکان دارد که همین امر به عامل خشونت آنان تبدیل شود: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (النساء: ۵): «و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید.»

در این آیه، ترکیب «فیها»، به جای «منها»، به معنای در بر گرفتن و در بین خود نگهداری کردن سفیهان است؛ یعنی سفیهان را در بین اموال خویش (متن اجتماع) روزی و جای دهید

و بیوشانیدشان و با آنها سخن گوید و گفتگو کنید، سخنی نیک و در حد نابسامانی روانی و در کشان، نه آن که چون رشد عقلی ندارند، از متن اجتماع بر کنارشان دارید و طردشان کنید و صرفاً به تغذیه و اسکان و پوشیدنشان اکتفا کنید و ضایعشان گذارید. آنها که توازن روانی ندارند و عقب مانده شده اند، بزرگسال باشند یا خردسال، چه بسا قابلیت رشد و تربیت دارند و اگر بر کنار و مهجور بمانند، عضوی باطل و سربار می شوند و اگر در بین زندگی و کار و معاملات وارد شوند و با رفتار و گفتار معروف و محبت انگیز و به دور از خشونت نگهداری شوند یا در اجتماع پیشرفته زیر نظر متخصصان و روانشناسان باشند تا اگر دچار عقده ای شدند، گشوده شده و اگر نارسایی فکری دارند، باز هم می توانند اشخاصی مفید و کاردان شوند و سفاهتشان زدوده و پاک شود (طالقانی، ۱۳۹۲، ۳: ۷۶).

محتوای صحبت های حضرت ابراهیم (ع) با آزر که مطابق روایات مردی بت تراش، بت پرست و بت فروش بود و عامل بزرگ فساد در محیط محسوب می شد، حاکی از آن است که برای نفوذ در اشخاص منحرف، پیش از توسل به خشونت، باید از راه منطقی که همراه با محبت، احترام، دلسوزی و درعین حال قاطعیت است استفاده کرد، زیرا که گروه بسیاری از این طریق تسلیم حق می شوند، هر چند عده ای در مقابل این روش باز هم مقاومت نشان می دهند که البته حسابشان جداست و باید برخورد دیگری با آنها شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۳۶). باری تعالی نیز در جای دیگری از قرآن، به پیغمبر (ص) امر نمود که در زمینه دعوت به مسیر حق، با مخالفان خویش بحث و مجادله نیکو کند و اصول بحث را مراعات نماید و با ایشان به نرمی و ملایمت سخن گوید تا بتواند آنها را جذب کند: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵): «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است». لذا پیامبر از طرف خدا و به وسیله حکمت و پند نیک، افراد را دعوت می کرد و آنها با ایشان مجادله می کردند. واضح است مجادله و مناظره نیز زمانی مؤثر می شود که «بالتی هی احسن» باشد، عدالت و حق و امانت و درستی و راستی بر آن حکومت کند و از هر نوع تحقیر و توهین و خلاف گوئی و استکبار خالی باشند، و تمامی جوانب انسانی آن حفظ شود (همان). در تفسیر کابلی درباره این آیه بیان شده که خداوند به پیامبر (ص) امر فرمودند که اگر چنین شرایطی پیش آید، با بهترین طریقه اصول تهذیب

و شایستگی، حق شناسی و انصاف را مدنظر قرار ده و حریف خود را با بهترین روش‌ها، ملزم گردان و در هر حال، سخنان جگرخراش و دل‌آزار به زبان نیاور، تا نزاع واقع نگردد، و حصول مقصد به تأخیر نیتند، و باید مقصود از بحث، احقاق حق و تفهیم باشد، چرا که از بد اخلاقی، خشونت، و انانیت، هیچ نتیجه‌ای حاصل نشود (دیوبندی، ۱۳۹۵، ۳: ۵۲۳). دربارهٔ مجادله با اهل کتاب نیز، سفارش شده که باید با رفق و ملاحظت و مدارا با ایشان بحث کرد و مبادا به صورتی رفتار شود که نتیجه آن به خشونت و خشم منتهی شود: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ﴾ (عنکبوت: ۴۶): «و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید، مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند.» مقصود این است که از روی لطف و رفق، با این افراد محاجه کنید تا ایمان آورند. از نگاه برخی، مقصود از اهل کتاب، اهل جزیه و معاهده است، یعنی با خشونت ایشان با خوش‌خویی مقابله کنید و غضبشان را با بردباری و حلم، و پرخاشگری‌شان را با نصیحت و موعظه جواب دهید (همان: ۵۲۴). لذا مفهوم جدال و گفتگو با اهل کتاب در این آیات این است که گفتار و رفتار فرد به صورت دوستانه و مؤدبانه، و خالی از هر نوع خشونت و جنجال و هتک حرمت باشد. شیخ طبرسی نیز «مجادله احسن» را ملایمت و نرمش در مقابل خشونت می‌داند و مجادله احسن را به این می‌داند که در مقابل خشونت و تندگی، ملاحظت و نرمش نشان داده شود. هم‌چنان که فرمود: ﴿ادفع بالتي هي أحسن﴾ (مؤمنون: ۹۶): «بدی‌های ایشان را با آنچه نیکوتر است دفع کن.» در این آیه، اشاره شده به این که دعوت مردم به سمت خداوند باید با بهترین روش و با مهربان‌ترین شیوه باشد ﴿إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ﴾ مگر کسانی از آنها که ستمکارند و در دشمنی افراط می‌کنند و رفق و مدارا به حال ایشان اثر و فایده‌ای ندارد. (طبرسی، ۱۳۹۵: ۳۱۴)

اسلام از خشونت در گفتار که بالاترین درجه آن ناسزاگویی است، حتی در قبال بت‌های مشرکان نیز نهی کرده و به مسلمانان دستور داده که به بت‌ها و خدایان دروغین ایشان ناسزا نگویند ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام: ۱۰۸): «و آنهایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام ندهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد.» مراد از «الذین» ظاهراً معبودها و بت‌های باطل است. کلمه «الذین» به بت‌ها و اصنام اطلاق شده، و معنای آیه این است که به بت‌هایی که مشرکان می‌خوانند ناسزا نگویند که ایشان نیز ندانسته (بغیر علم) و از روی مقابله به خدا ناسزا گویند. بغیر علم حاکی از آن است که اگر دانا بودند این کار را در برابر ناسزاگویی نمی‌کردند. از امام صادق (ع)

بیان شده: «مؤمنان معبودهای مشرکان را فحش می‌دادند، مشرکان نیز معبود مؤمنان را ناسزا می‌گفتند که خداوند مؤمنان را از این کار نهی فرمود (قرشی، ۱۳۹۵: ۲۸۹). قرآن در اینجا فحش و ناسزا را که بعضی افراد بی‌منطق در برخورد های خویش به کار می‌برند محکوم کرده است. در احادیث اسلامی نیز، بر ممنوعیت دشنام تأکید شده است. در نهج البلاغه آمده که حضرت علی (ع) به کسانی که به پیروان معاویه در جنگ صفین دشنام می‌دادند، فرمود: «من خوش ندارم که شما فحاش باشید. اگر شما به جای دشنام، اعمال ایشان را بر شمرد و حالات آنان را متذکر گردید، به حق و راستی نزدیک‌تر و برای اتمام حجت نیز بهتر است» (آباد، ۱۳۹۰: ۲۹).

۳-۶. همیاری

از جمله دلایلی که برای مقابله با خشونت و ایجاد همدلی و اتحاد در میان مردم در آیات قرآن بیان شده اصل تعاون، برادری و همیاری است. قرآن تمامی انسان‌ها را هم‌زادان یکدیگر معرفی می‌کند: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ﴾ (انعام: ۶): «و اوست خدایی که همه شما را از یک تن در آرامگاه (رحم) و ودیعتگاه (صلب) بیافرید» که با دیگر مؤمنان نیز احساس برادری نمایند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰): «مؤمنان با هم برادرند.» این احساس و ابستگی مستمر به گروه، به زندگی انسان آرامش می‌بخشد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.» تأکید بسیار آموزه‌های دینی بر کمک معنوی و مالی به دیگران در قالب صدقه، انفاق، ایثار، هدیه، عفو، بخشش و ... همگی در راستای تقویت روحیه همیاری است. این اعمال افزون بر تقویت حس نوع‌دوستی در نهاد آدمی، حالت‌های انفعالی کینه‌توزی و نفرت و انگیزه‌های تجاوز و ستم و تمایل به خودخواهی را ریشه کن می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۱۶): «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!» پیامبر (ص) در حدیثی قدسی از محبت و تعاون بین

مردم به عنوان عامل جلب محبت خداوند و دستیابی به اطمینان و آرامش یاد می‌کند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲). اگر همدلی و محبت و همکاری در میان مردم رواج داشته باشد و هر کس، دیگری را برادر خود بداند و در راه رسیدن به اهداف آرمانی، یکدیگر را یاری برسانند، پرخاش و خشونت و خشم از میان افراد جامعه اسلامی رخت بر خواهد بست و شاهد کاهش روزافزون برخوردهای ناراحت‌کننده و خشن خواهیم بود. ولی دلیل اینکه خدا بر تعاون و همکاری در میان مؤمنان تأکید داشته این است که اعراب جاهلی دارای خلق و خوی جنگجویانه بودند و به علل واهی به خشونت و کشتار روی می‌آوردند، ولی بعد از ظهور اسلام، با نازل شدن آیاتی درباره برادری، پیغمبر (ص) این فضیلت را در میان ایشان رواج داد تا بدین وسیله از شدت کینه‌ها و خشونت‌ها بکاهند (آباد، ۱۳۹۰: ۳۰).

همکاری و تعاون در جوامع عربی پیش از اسلام به سبب عمق فردگرایی مطلق در بینشان، کم‌رنگ بود. آنان فقط در برابر هم خون خویش نرمش نشان می‌دادند و تنها برای مصالح شخصی خویش با دیگر قبایل هم‌پیمان می‌شدند که ایشان را یاری دهند. پیمان‌های ایشان غالباً در حیطه امور جنگی بود و تا زمانی امتداد می‌یافت که مصالحشان پا برجا باشد. پیامبر (ص) به منظور امت‌سازی، کوشیدند که مبانی اخلاقی و فکری تعاون را میان مسلمانان پدید آورند و به این منظور از شیوه‌های گوناگونی استفاده کردند؛ همانند ایجاد اخوت دینی و ایمانی و دعوت مردم به یکتاپرستی (حجرات: ۱۰) و تمامی مسلمانان را همچون پیکری واحد دانستند و خوشی و ناخوشی هر شخص را به منزله خوشی و ناخوشی دیگری دانستند و به همکاری و تعاون در نیکوکاری و تقوا و نهی از تعاون در گناه و تجاوز دعوت کردند (مانده: ۱ و ۲) (همان). با نهادینه شدن اصل اخوت، همبستگی و اتحاد میان مسلمانان تقویت می‌شود و راه برای گسترش مهر و محبت بیشتر و اجتناب از خشونت و کینه و خونریزی هموار می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

نتیجه‌گیری

ایمان به خدا و معاد، بصیرت، تعقل، تقوا و پرهیز از رذائل مانند حسد، حرص، هواپرستی، کبر و غرور، نفاق، متابعت از شیطان و جهل و تعصب، که قرآن آنها را مورد تأکید قرار داده، نقش مؤثری در پیشگیری و مقابله با خشونت فردی دارد.

انسان به عنوان خلیفه الله باید نشانگر صفات کمالی خداوند باشد تا دچار بروز خصوصیات

چون خشونت، خشم و تباهی نشود که نتیجه‌اش سلب آرامش و امنیت فرد و جامعه است. در این راستا، قرآن برای مقابله با خشونت، به کارگیری مهربانی (فرقان: ۶۳؛ روم/۲۱)، تشریح احکام بازدارنده (بقره: ۱۷۹)، مهرورزی (کهف: ۲۸) و گذشت در رفتار (نحل: ۱۲۶) و نیز سرلوحه قرار دادن صبر و فداکاری و صحبت با نرمی (بقره: ۷۴؛ طه: ۴۴)، ملایمت و محبت (عنکبوت: ۴۶؛ مؤمنون: ۹۶) را در جهت اصلاح و بهبود فرد و جامعه پیشنهاد می‌کند. اساساً تکیه بر میثاق‌های آسمانی می‌تواند به جهان‌عاری از خشونت کمک نماید؛ لذا قرآن به‌منظور دور کردن انسان از خشونت، به روابط اجتماعی بر مبنای محبت و مدارا تأکید کرده و انسان را که موجودی دارای عقل و تدبیر است، به گفتگو برای رسیدن به تفاهم و نزدیک کردن دیدگاه‌ها و تلطیف روابط امر نموده است.



منابع:

- * قرآن کریم
* نهج البلاغه
* صحیفه سجادیه
- ۱- آباد، معصومه، (۱۳۹۰)، *خشونت و ایمنی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات مهرراوش.
 - ۲- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت.
 - ۳- تهامی، مرتضی و محمد اسماعیل بلوری، (۱۳۹۷)، «*خشونت و راه‌های مقابله با آن در اندیشه اسلامی*»، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، اولین همایش ملی بررسی جریان‌های سلفی تکفیری.
 - ۴- پژوهشکده تحقیقات سپاه پاسداران، (۱۳۹۷)، «*منع خشونت در قوانین و منابع دینی*»، نشست علمی، ص ۱۲۰-۱۸۳.
 - ۵- خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق)، *تفسیر خسروی*، چاپ اول، تهران، اسلامیه.
 - ۶- دیوبندی، محمود حسن، (۱۳۹۵)، *تفسیر کابلی (از دیدگاه اهل سنت)*، چاپ سیزدهم، تهران، احسان.
 - ۷- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
 - ۸- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۱)، *تفسیر قرآن مهر*، چاپ سوم، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
 - ۹- شاکرین حمیدرضا، (۱۳۹۳)، *خشونت*، چاپ سوم، تهران، کانون اندیشه جوان.
 - ۱۰- شجاعی، حسین و محمدحسین اخوان طوسی، (۱۳۹۸)، «*راهبرد قرآن کریم در جلوگیری از تبدیل خشم اجتماعی به خشونت*»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دهم، ش ۱، ص ۷-۲۴.
 - ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۵)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 - ۱۲- طالقانی، محمود، (۱۳۹۲)، *پرتوی از قرآن*، چاپ چهاردهم، جلد ۳، تهران، شرکت سهامی.
 - ۱۳- عباس نژاد، محسن، (۱۳۹۴)، *روانشناسی و علوم تربیتی قرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
 - ۱۴- قاسم‌زاده، علیرضا و رضا پاشا و خلیل محسن پور، (۱۳۹۷)، «*عوامل بروز خشونت از منظر قرآن کریم*»، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۴، ش ۱، ص ۵۷-۶۶.
 - ۱۵- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 - ۱۶- قرشی، علی اکبر، (۱۳۹۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ دوازدهم، جلد ۳، تهران، بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر.
 - ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم تهران، جلد هشتم، دار الکتب الاسلامیه.
 - ۱۸- محمد داوود، منیر، (۱۳۹۸)، *خشونت خانوادگی عوامل و راهکارهای مقابله با آن*، چاپ پنجم، تهران، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
 - ۱۹- میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۹۱)، «*خشونت و مجازات*»، فصلنامه انتقادی فرهنگی کتاب نقد، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۱۲۶-۱۴۲.
 - ۲۰- واحدی، علی بن احمد، (۱۳۹۳)، *اسباب النزول واحدی*، چاپ سوم، تهران، نشر نی.

REFERENCES

- * The Holy Quran.
- * Nahj Al-Balaghah.
- * Al-Sahifah Al-Sajjadiyyah.
- 1- Abad, Masoumeh, 2011, Violence and Safety, Second Edition, Tehran: Mehr Ravesh Publications.
- 2- Abbasnejad, Mohsen, 1394, Psychology and Quranic Educational Sciences, Mashhad: Quranic Research Foundation of Seminary and University.
- 3- Bahrani, Seyyed Hashem, 1416, Al-Burhan Fi Tafsir al-Quran, First Edition, Tehran: Besat Foundation.
- 4- Dekhoda, Ali Akbar, 1998, Dekhoda Dictionary, Tehran: University of Tehran.
- 5- Divbandi, Mahmoud Hasan, Tafsir-e Kaboli (from the Sunnit Point of View), 1395, 13th Edition, Tehran: Ehsan.
- 6- Ghasemzadeh, Alireza; Pasha, Reza; Mohsenpour, Khalil, 1397, The causes of violence from the perspective of the Holy Quran, Quarterly Journal of Psychological Studies and Educational Sciences, Vol. 4, No. 1, pp. 57-66.
- 7- Ghorashi, Ali Akbar, 2016, Tafsir Ahsan Al-Hadith, 12th Edition, Vol. 3, Tehran: Besat Foundation for Publishing and distribution.
- 8- Khosravani, Alireza, Tafsir-e Khosravi, 1390 AH, First Edition, Tehran: Islamieh.
- 9- Makarem Shirazi, Naser, 1371, Tafsir Nomoneh, 10th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 10- Mirkhaili, Seyed Mahmoud, Spring and Summer 2012, Violence and Punishment, Cultural Critical Quarterly, Critique Book, Nos. 14 & 15, pp. 126-142.
- 11- Mohammad Davood, Munir, 1398, Domestic Violence Factors and Strategies to Deal with It, 5th Edition, Tehran: Civil Society Network and Human Rights.
- 12- Qaraati, Mohsen, 2004, Tafsir Noor, 11th edition, Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran.
- 13- Revolutionary Guards Research Institute, 1397, Prohibition of Violence in Religious Laws and Resources, Scientific Meeting, pp. 120-183.
- 14- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, 1391, Tafsir-e Quran-e Mehr, 3rd Edition, Qom: Research on Quranic interpretation and sciences.
- 15- Shakerin Hamidreza, 2014, Violence, 3rd Edition, Tehran: Lanoon Andisheh Javan.
- 16- Shojaei, Hossein & Akhavan Tabasi, Mohammad Hossein, 1398, The strategy of the Holy Quran in preventing the transformation of social anger into violence, bi-quarterly specialized interdisciplinary research of the Holy Quran, 10th Year, First Number, pp. 7-24.
- 17- Tabarsi, Fadhl bin Hasan, Translation of Tafsir Jawami al-Jami, 1385, Mashhad: Astan-e Quds Razavi, Islamic Research Foundation
- 18- Tahami, Morteza & Bloori, Mohammad Ismail, December 2016, Violence and Ways to Deal with It in Islamic Thought, Grand Ayatollah Boroujerdi University: The First National Conference on the Study of Takfiri Salafi Currents.
- 19- Taleghani, Mahmoud, 1392, Partovi az Quran, 14th Edition, Vol. 3, Tehran: Sherkat-e Sahami.
- 20- Wahidi, Ali bin Ahmad, 1393, Asabab al-Nazul, 3rd Edition, Tehran: Nashr-e Ney.